

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

فرستنده: سیامک بهاری – و افزوده پورتال
۳۱ می ۲۰۱۴

میزگرد وضعیت کودکان در افغانستان

مصاحبه با یونس سلطانی، زرقا فروغ و کبیر کهکشان

ضمن خوش آمد به شما، عزیزان؛ آقای یونس سلطانی، خاتم زرقا فروغ و همین طور آقای کبیر کهکشان. متشکریم که علی رغم همه گرفتاریها و مشغله های اجتماعی و سیاسی دعوت نشریه کودکان مقدمند را برای این مصاحبه پذیرفتید.

وضعیت کودکان در افغانستان یک موضوع مهم برای نهاد ما و همه جهان متمدن است. امیدواریم این مصاحبه سرآغاز همکاری و دخالتگری بسیاری از نهادها، شخصیت ها و فعالان دفاع از حقوق کودک برای تغییر وضعیت کودکان در افغانستان باشد. با این مقدمه بپردازیم به موضوع مصاحبه و از آقای یونس سلطانی شروع کنیم.

پدیده کودکان خیابانی و کودکان کار را در افغانستان توضیح دهید.

یونس سلطانی: کودکان خیابانی در افغانستان کودکانی اند که روابط غیر انسانی در جامعه، کودکی آنها را از ایشان دزدیده است. آنها کسانی اند که یا پدر و مادرشان را از دست داده اند، یا به دلایل مختلفی مانند مریضی، معلولیت عمدتاً در اثر جنگها، اعتیاد و فقر بیکران، پدر و مادرها، توان نگهداری از آنها را ندارند. چون نهادهای حاکم دولت پوشالی کرزی و اجتماع هم در قبال آنها مسئولیتی نگرفته و مراقبت از کودکان را امری اجتماعی نمی دانند، آنها به حال خودشان در خیابانها رها شده اند. این کودکان که با تأسف بسیار، کمیت شان در حالت رشد است، از آسیب پذیر ترین اقشار اجتماعی می باشند. آنها به گونه های مختلفی می توانند مورد سوءاستفاده قرار گیرند. خوشبخت ترین آن کودکان هم کسانی هستند که در جامعه به شدت سنتی و طبقاتی در افغانستان، توسط صاحبان سرمایه و باندهای جنایتکار، به کارهای نهایت دشوار کشانیده می شوند. با کار در معادن با وسایل خیلی ابتدائی و بدون توجه به امنیت آنها، گدائی ارگانیز شده و استفاده جنسی، مورد بهره برداری قرار می گیرند. آنها از امکانات رفتن به مکتب محرومند، از زندگی در فضای امن محروم اند و در یک کلام برای زنده ماندن، جان می کنند.

نشریه کودکان مقدمند: دسترسی به مدرسه و کلاً آموزش و پرورش برای کودکان چگونه میسر است؟

یونس سلطانی: آنگونه که می دانید افغانستان درگیر جنگ کثیفی است که میراث دوران جنگ قدرت* میان کشور های سرمایه داری غربی از یکسو و سرمایه داری دولتی شوروی آن زمان از جانب دیگر می باشد. این جنگ قدرت، موجب رشد نیروهای مذهبی به شدت عقب گرا در افغانستان گردید که کماکان به جنایت ادامه می دهند. نهادهای سنتی

قدرت از میان رفتند و برای نظامهایی که توسط قدرتهای برنده امپریالیستی مهندسی گردیدند، تحت تأثیر مناسبات بین المللی و توجه به شرکای ستراتیژیک نیروهای غربی در رأس آن امریکا، امکان پر کردن خلای قدرت در افغانستان میسر نشد. امکانات زیر بنائی جامعه از جمله مدارس سوختانده و منهدم گردیدند. اینها همه سبب گسست یک زندگی متعارف در افغانستان گردیدند. مخصوصاً در مناطق جنوبی کشور، نفرتی در برابر مدارس که در آن به جز احکام شریعت اسلامی تدریس می گردید، ایجاد شده است. تا حدی که تعمیر مکتبها را آتش می زنند و معلمها را سر می برند. در مناطقی که آرامش نسبی برقرار است، تدریس کتب مذهبی و اشاعه تفکرات ضد انسانی اسلامی در محور قرار دارد. تلاش صورت می گیرد که آپارتاید جنسی و اندیشه برتری مرد ها بر زن، در اذهان دانش آموزان نهادینه شود. با این همه اطفال زیادی اند که امکان رفتن به مکتب را به دلایل امنیتی و اقتصادی ندارند. در جاهائی هم که زمینه آموزش موجود است، تعمیری برای مکاتب وجود ندارد. چون دولت عمدتاً به عنوان رشوه، کمکها را در مناطقی سرازیر می نمایند، که در آنجا جنگ در جریان است. در مناطق نسبتاً آرام، در این زمینه ارجحیتی داده نمی شود. کتبی که از طرف وزارت معارف به دسترس کودکان قرار داده می شوند، همه جهت دار بوده و باورهای اسلامی را به خورد کودکان می دهند. این ها همه شواهدی اند که نشان می دهند، سیستم آموزش معیوبی در کشور پیاده می شود که زن ستیزی و اشاعه افکار ضد زن و کودک را در جامعه می گستراند.

نشریه کودکان مقدمند: حمایت از کودکان چه در قوانین و چه در سطح اجتماع چگونه است؟

یونس سلطانی: قوانین رسمی کشور در حمایت از کودکان تأکید می نماید. در این قوانین مانند بخشهای دیگر قانون، تناقضات عمیقی موجود است. مثلاً آزادی بیان به استناد [اعلامیه حقوق بشر] به حق هر فرد می باشد، ولی انتقاد از اسلام او را به پای چوبه دار می برد. از کودک حمایت صورت می گیرد، ولی در سایه شریعت اسلامی، پیدوفیلی، یعنی ازدواج کودک دختر جرم شمرده نمی شود. افرادی که در دستگاه حکومت دست نشانده کرزی، پست های بسیار مهمی دارند، کسانی هستند که ویدیوهائی از محافل عشرت آنها که در آن پسران خرد سالی، می رقصند و مورد استفاده جنسی قرار می گیرند، از طریق رسانه ها به نشر سپرده شده اند. اینها نمونه هائی اند که نشان می دهد اراده سیاسی برای حمایت از کودکان وجود ندارد.

تا جائی که به اجتماع تعلق می گیرد، دین و فرهنگ دینی سالهای متوالی فرهنگ مسلط در جامعه افغانستان بوده است. و به عنوان وسیله ای برای توجیه منافع قدرتمندان ابزاری مؤثری بوده است. به قول گرامشی "با جذب آن توسط آحاد جامعه بر تمامیت آگاهی نفوذ کرده و به حس عام در جامعه منجر می گردد". چون در دین به کودک احترامی گذاشته نمی شود، و مثلاً حداقل سن ازدواج برای کودک دختر وجود ندارد، مسلماً در جامعه متأثر از دین، پیدوفیلی قباحتش را از دست داده و به امری عام تبدیل می گردد. هر قدر فقر در جامعه بیشتر گردد، هر قدر عدم امنیت ریشه بدواند، ضعیف ترین اقشار و طبقات بیشترین ضربات را متحمل می شوند.

نشریه کودکان مقدمند: تصور کلی و عمومی شما از وضعیت کودکان در افغانستان چیست؟

زرقا فروغ: کودکان از گروههای عمده آسیب پذیر جامعه اند. زمانی که جامعه معلول از فرو ریختگی ساختاری از جمله فرو ریختگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حمایتی باشد، اطفال و کودکان آن جامعه بیشتر از دیگر گروههای اجتماعی در معرض خطر و آسیب قرار می گیرند.

افغانستان با داشتن قانون اساسی اسلامی و سیستم دولتی فاسد و مریض و سیستم قضائی غرق در فساد اداری در سطح جهان در ردیف اول فاسد ترین کشورهای جهان قرار گرفته است. بعید نیست تا در یک چنین شرائطی، کودکان این

کشور گوشه‌های امن زندگی با خانواده، فراگرفتن درس و رفتن به مدرسه و زندگی کودکانه‌شان را از دست دهند و مجبور به زحمت کشی و کار در شرائط دشوار و طاقت فرسا برای تهیه‌ی مخارج خانواده‌هایشان شوند. فقر، بیکاری والدین، بی‌ثباتی و جنگ سبب شده تا اطفال در این کشور از حق آموزش و تعلیم محروم شوند، به کارهای سخت و ناامن مجبور گردند، با شرایط صحت نامناسبی مواجه باشند، به مواد مخدر معتاد گردند، در جریان جنگها یا توسط حملات انتحاری و انفجار مین‌ها جان خود را از دست دهند یا به معلولیت دائمی دچار گردند. مورد بهره‌برداریهای جنسی و تجاوز قرار گیرند و به‌منظور استفاده در جنگها و حملات انتحاری استخدام گردند و یا به فروش رسند. کودکان و اطفال دختر وادار به ازدواج اجباری گردند و مورد استفاده جنسی قرار گیرند و به همین ترتیب اطفال پسر هم در معرض استفاده جنسی توسط مردان پولدار و قدرتمند قرار گیرند. کودکان شیر خوار به سبب فقدان تغذیه به امراض گوناگونی مواجه اند و حتی کودکان شیرخوار در معرض خطر اعتیاد و تجاوز قرار دارند. طبق گزارش وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان حدود ۶ میلیون کودک در معرض خطر قرار دارند که رسیدگی به وضعیت آنها نیاز به کمک فوری دارد. اینها بخشی از مشکلاتی است که کودکان افغانستان با آن مواجه‌اند.

نشریه کودکان مقدمند: آیا سقوط طالبان و ۱۲ سال حکومت کرزی توانسته است، وضعیت را تغییر اساسی بدهد؟

زرقا فروغ: پس از خروج طالبان و بعد از حمله نظامی امریکا و نیروهای ائتلاف به افغانستان، گنگسترهای جهادی و جنگ سالارهایی را به قدرت رسیدند که هر کدام ایشان به نحوی در رقابت با دیگری در غارت و چپاول مردم و کشور ید طولائی دارند، پس از گذشت ۱۳ سال بحران سوء تغذیه و گرسنگی در میان کودکان افغانستان همچنان ادامه دارد و حتی بدتر هم شده است آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد که سوء تغذیه میان کودکان افغانستان از سال ۲۰۱۲ به این سو بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است و علت آن بیکاری، فقر و عدم ثبات در کشور است. هم اکنون ۶ میلیون کودک در افغانستان با خطرهای گوناگونی مانند استفاده های جنسی، کارهای شاقه، استفاده در حمله های انتحاری و غیره روبه رو هستند.

مسئولین مؤسسات مین روبي در کشور با ابراز نگرانی از وضعیت کودکانی که از اثر انفجار مواد خنثی نشده، قسمتی از اعضای بدن خود را از دست داده اند می‌گویند در افغانستان ماهانه بیش از ۴۰ تن قربانی مین‌ها و مواد خنثی نشده باقیمانده از جنگها می‌شوند که ۵۰ درصد این رقم را کودکان تشکیل می‌دهند. به گفته آنان از شروع سال ۲۰۰۱ میلادی تا کنون بیش از ۱۷۰۰ تن از غیرنظامیان که اکثریت آنان را کودکان تشکیل می‌دهند در کشور جان خود را از دست داده اند. شمار زیادی از کودکان در کشور در معرض خطر جرایم جنائی قرار دارند. قاچاق و انتقال کودکان افغان به سایر کشورها از مسائلی است که مصونیت کودکان را در افغانستان تهدید می‌کند.

کودکان بیشتری به علت وخیم شدن اوضاع و شرایط زندگی در افغانستان از این کشور می‌گریزند که در مسیر راه طعمه ماهیان دریاها می‌شوند. قاچاق، تجاوز جنسی، ازدواجهای اجباری و کارهای شاقه، از دشواریهای اصلی دیگر بر سر راه کودکان افغان است. تهدید حیات اطفال در منازعات مسلحانه، انجام کارهای شاقه به دلیل فقر اقتصادی خانواده‌ها، محرومیت از تعلیم و تربیت، عدم دسترسی به خدمات صحتی و سرانجام بی‌توجهی دولت نسبت به کودکان از دشواریهای عمده دیگر فرا روی اطفال عنوان می‌گردد. نزدیک به پنج میلیون کودک که درصد بیشتر آن را دختران به خود اختصاص داده اند، از تعلیم و تربیت محروم هستند که فقر، جنگ و شرایط بد امنیتی علت آن است.

بعد از سه دهه جنگ در افغانستان، چیزی که در شهرها بسیار به چشم می‌خورد، هزاران کودکی است که به دنبال نانی برای خانواده‌شان از صبح تا شب سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهند برخی زباله‌ها برای لقمه نانی زیرو رو می‌کنند. کودکان دوره گرد مانند اسپندیها و ماشین شویان و گدایان نمونه های کودکانی اند که شبانه خواب نان گرم را

می بینند. شمار زیادی از این کودکان گرفتار باند های جنایتکار و مافیائی می گردند که تمام عمر مورد سوء استفاده قرار می گیرند. گزارشهای تلخ و تراژیک کودکان انتحاری در افغانستان فاجعه ای بی بدیل است.

نشریه کودکان مقدمند: مشکل اساسی در محرومیت کودکان در افغانستان چیست؟

زرقا فروغ: همانطوری که در سؤالات قبلی اشاره به عمل آمد وضعیت ناگوار کودکان در افغانستان، متأثر از چهار دهه جنگ، افزایش فقر و بیکاری بی ثباتی، بی امنیتی، کار گروه های خطرناک جنایتکار و مافیائی و از همه مهمتر وجود یک سیستم دولتی فاسد و مریض و سیستم قضائی غرق در فساد اداری و مافیائی، عدم موجودیت نهادها یا گروه های فعال حمایت و سرپرستی از کودکان و به خصوص کودکان خیابانی. بیسوادی و عدم فهم والدین از حقوق کودکان. عدم موجودیت قانون در مورد جرایمی مثل کودک آزاری، سوءاستفاده و خشونت. چون افغانستان یک کشور اسلامی و مردسالاریست و مطابق اوامر اسلامی اطفال ملکیت مرد خانواده یا والدین اند زیرا این والدین است که بر آنها تصمیم می گیرند و سرنوشت تعیین می کنند.

نشریه کودکان مقدمند: استفاده جنسی از کودکان به ویژه کودکان پسر تحت عناوین مختلف، پسران رقصنده، و دست درازی جنسی به کودکان پسر به شدت گسترش یافته است، دلیل این امر در چیست؟

زرقا فروغ: یکی از اثرات هر جامعه بسته و به خصوص جوامع اسلام زده آنست که دیواری از مناسبات جنسیتی میان زن و مرد ایجاد می کند. در افغانستان از لحاظ تاریخی يك ركن اثرات چنین جدائی های جنسیتی به صورت حفظ اخلاقیات منحن فیودالی. جنسی مردان در برابر پسر بچه ها، خودش را نشان داده است. حتی می توان فاکت های تاریخی داد که درباریان حاکمیت های قبلی افغان نیز در ظهور و رشد پدیده «بچه بازی» نقش انکار ناپذیر داشتند و داستانهای تربیت و پرورش غلام بچگان و معاشرت و رابطه های جنسی با آنها، بخشی از هویت این اخلاقیات و ترویج پدیده هوس رانیهای امراء و درباریان را تشکیل می داد و صراحتاً می توان گفت که همزمان با نهادینه ساختن آپارتاید مذهبی جنسی، از همین مکانهای قدرت و ثروت و زور است که رسم «بچه بازی» در اجتماع سنتی نیز رواج یافته است. از جانب دیگر این اخلاقیات منحن ضمن تاریخ و پیشینه خود زیر نام «بچه بازی»، «بچه بی ریش» نگهداری (یعنی پسر بچه های که هنوز ریش نکشیده اند)، بچه رقصانی، رابطه جنسی با پسر بچه های خرد سال، پدیده هایی بوده که در جریان ۳ دهه جنگ از جانب قومندانهای مسلمان جهادی، متنفذین محلی دوره جهاد، پله های عروج خود را طی نموده که اکثریت سران و تقریباً تمامی سرکردگان و قدامه های مختلفه این جنگنده های مذهبی را در بر می گیرد.

شواهد انکار ناپذیر در این زمینه موجودیت ویدیوهای محافل بچه رقصانی وزیر دفاع کنونی افغانستان (بسم الله محمدی) یکی از قوماندانهای معروف دوره جهاد، جنرال دوستم از رهبران قومی و قومندان معروف جنگی و سایرین در یوتیوب است که از این پدیده منحوس پرده برادری می کند. معضل گسترش چنین فرهنگی را نیز می توان وابسته به همین دو عامل جدائی مذهبی جنسی کامل در تمام ابعادش میان زنان و مردان و پدیده قدرت و ثروت دید.

جنگ طولانی در افغانستان و از هم پاشیدن کامل ساختارهای سیاسی دولتی به خصوص چپ پرو شوروی، ظهور و بعداً قدرت گیری مجاهدین، حاکمیت های فاسد و قومی، اقتصاد درهم کوبیده، بیداد فقر و غیره، عوامل اساسی اند که در گسترش زمینه های چنین فرهنگ منحنی نقش بسزا بازی نموده اند.

عامل اساسی دیگر گسترش این فرهنگ مانند هر پدیده دیگری عدم وجود اراده قاطع پالایش فرهنگ جاگزین برای امحای این پدیده است. ساختار سیاسی فرهنگی نظام موجوده فعلی کرزی معجونی است از تمام منفی ها و ایدال های

واپسگرایانه مذهبی و سنتی و قومی افغانستان که همراه با يك قانون گریزی وحشتناك گره خورده. بناءً زنده بودن چنین ساختار سیاسی و امرار حیات آن، خود به خود مایه گسترش چنین فرهنگ عقب افتاده ای است.

نشریه کودکان مقدمند: ازدواج کودکان دختر با مردان بزرگسال نیز همچنان وسیعاً ادامه دارد، در این باره چه نظری دارید؟

کبیر کهکشان: در این عرصه نیز چندین عامل به صورت مشترك عمل می نماید:

اولین عامل همان دیدگاه مذهبی و سنتی به زن در مجموع و کودکان دختر به خصوص است. این عامل به حیث يك دستاویز محرکه و مشروع مذهبی به اصطلاح قبلاً در اختیار خانواده قرار دارد تا تصمیم گیری به ازدواج دخترانشان را در خردسالی، با آن تیرنه کنند. تمام رهبران مذهبی و نماینده های مختلفه شان اعم از این که چگونه و در کجا آموزش دیده اند و چه جایگاه مذهبی و درجه تحصیلات داشته اند، به خصوص تمام رهبران مذهبی و امامان مساجد، متفق القول هستند که برای ازدواج دختر در اسلام هیچ سن و سال معینی، مشخص نشده و این در حقیقت شاه کلید تمام شروع بدبختی ها است. مثلاً وقتی کسی به نام عبدالستار سیرت که درجه پروفیسوری در پژوهشهای اسلامی دارد و بیش از ۳۵ سال در امریکا زندگی می کند و قرار بود در غیاب کرزی ۱۲ سال قبل به ریاست جمهوری افغانستان برسد، علناً بیان می دارد که (دین اسلام هیچ سنی را برای ازدواج دختران معین نساخته و می شود حتی دختر چهار ساله را نیز نکاح نمود و به شوهر داد) عمق تراژدی مسأله را بیان می نماید. چنین دیدی در حقیقت معنی و ماهیت واقعی بی حقوقی کامل کودکان دختر در خانواده را نشان داده و نیز مهر تأییدی است بر اجباری بودن تعیین سرنوشت کودک.

گسترش یا توسعه ازدواجهای کودکان دختر پیشاپیش در همین پدیده اجبار نهفته است. با همین توضیح مختصر بالا، این اجبار در برابر کودک، اولاً دستاویز دینی پیدا می کند و تمام اختیار کودک به حیث يك مال یا متاع در دستان بزرگان خانواده قرار می گیرد و همین رویکرد به صورت قطع زمینه ساز خرید و فروش دختران به ثروتمندان و زورگویان گردیده و از جانب دیگر پول و ثروت به دست آمده از این طریق به اصطلاح مایه ای می شود برای چرخاندن اقتصاد خانواده.

نشریه کودکان مقدمند: مراکزی برای دفاع از حقوق این کودکان چه رسمی و دولتی و چه بصورت "ان جی او" ها وجود دارد؟ عملاً چه کمکی در این باره می توانند بکنند؟

کبیر کهکشان: از آنجائی که وضعیت زندگی کودکان در افغانستان به خصوص طی سه دهه جنگ شاخص خرابی جهانی پیدا نموده و این تراژیدی به عینه لمس می شود، یک عده از اشخاص مخیر برای دستگیری و کمک به عده ای از کودکانی که در فقر و تنهائی به سر می برند با ایجاد مراکز کوچک شخصی و تهیه مخارج عده ای ناچیز کودکان در افغانستان، مبادرت ورزیده اند. کمیونهای وابسته به سازمان ملل برای رسیدگی به وضعیت کودکان و بی سرپرستان ایجاد گردیده که اکثراً هیچ گونه تأثیر گذاری بالای وضعیت اسفبار کودکان ندارد.

موجودیت هزاران کودک بی سرپرست، دهها هزار کودکی که باید شامل مکتب شوند و تحصیل کنند اما امکانش را ندارند، هزاران کودک خیابانی، گدا، مشغول به کارهای طاقت فرسا و غیره عمق زندگی فاجعه بار کودکان و عدم کفایت دولت کرزی را نشان می دهد. در افغانستان با در نظر داشت نکات بالا، اولاً همین حقوق بشر بورژوازی، نیز به هیچ وجه رعایت نمی شود. ثانیاً مطابق تسلط چنان يك فرهنگی، کودک بشر شمرده نمی شود تا اولاً در سطح همان سیاست حقوق بشری از حق کودک دفاع صورت بگیرد.

این دفاع زمانی به نرم انسانی برخورد‌ها تبدیل می‌گردد که دست مذهب، بزرگان خانواده از زیر پا نمودن حق کودکان کوتاه گردد. در تمام جوامع با دولت داری متعارف، رسیدگی همه جانبه به کودکان یکی از برنامه های اساسی همان ساختارها را نشان می‌دهد که به عکس دولت افغانستان کوچکترین توجه را به آن مبذول نمی‌دارد. درك دنیای كودك، فضای كودك، صحت اول برای كودك، خوراك و پوشاك اول برای كودك، تفریح برای كودك، آزادی ورهائی اول برای كودك، برهم زدن رسوم احترام کودکان برای بزرگان به بر عکس آن، تحصیل اجباری و رایگان برای كودك، پایان دخالت دین و مذهب در دست درازی به زندگی و پرورش كودك، پایان سوءاستفاده بزرگان خانواده در خرد ساختن شخصیت كودك، اینها به نظر ما از امور ابتدائی برای كودكان و دفاع از جایگاه آنهاست. به نظر من باید به كودك و تمام این تراژیدی كودك آزاری به دید جدید و نو نگریست و باید این پتانسیل را ایجاد کرد و تمام جامعه را بدان معطوف ساخت و حول آن جمع نمود یعنی با نگاه چپ و مدرن و با يك خواست ماکزیمالیست نسبت به حقوق و جایگاه كودك در افغانستان دید و تلاش کرد. که خود بحث جداگانه را ضرورت دارد.

نشریه کودکان مقدمند: از شرکت همه شما عزیزان در این میزگرد صمیمانه تشکر می‌کنیم. به امید مصاحبه های بیشتر و تغییر بنیادی وضعیت کودکان در افغانستان. نهاد کودکان مقدمند، از همه فعالان دفاع از حقوق در افغانستان دعوت به همکاری می‌کند. *

نشریه کودکان مقدمند شماره ۱۱۵ خرداد [جوزا] ۱۳۹۳

یادداشت:

* لازم به یاد آورiest که استفاده از ترکیبهای « جنگ کثیف» و یا « جنگ قدرت» به ارتباط بیش از ۳۵ سال جنگ در افغانستان، نه تنها تمام واقعیت را بیان نمی‌دارند، بلکه هرگاه آگاهانه گفته شده باشد، این خطر را نیز می‌تواند در اذهان به وجود آورد که استفاده کننده با خلط جنگ های غیر عادلانه و تجاوز کارانه با جنگهای عادلانه و آزادیبخش، و همه را در یک کاسه ریختن، قصد خدمت به متجاوزان و اشغالگران را نیز دارد.

توقع ما از تمام دوستان و آئنده از قلم به دستان افغان و غیر افغان که بزرگواری نموده به ارتباط دشواری های مردم افغانستان می‌خواهند مسؤولیت تنویر افکار را به عهده بگیرند، این است که وقتی راجع به قضایای افغانستان می‌خواهند چیزی بنویسند، باید بکوشند تا در دام تبلیغاتی دشمنان مردم افغانستان اعم از استعمار شوروی دیروز و مزدورانش، ارتجاع هار مذهبی و حامیان منطقه ئی و بین المللی آنها و اینک امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکاء که نظر به احصائیه های خود شان ظرف مدت بیش از ۱۲ سال بیش یک میلیون افغان را به خاک و خون کشانیده به صد ها هزار کودک و زن بیوه را به میراث گذاشته اند، گرفتار نیامده، از تکرار ترجیع بند آنها که گویا در افغانستان «جنگ قدرت» جریان دارد، اجتناب بورزند. فقط با افشای این ترفند رذیلانه امپریالیستی است که می‌توانند، توده های میلیونی افغانستان را با ماهیت جنگها آشنا ساخته، از آن طریق به اختتام این دهشت تاریخی کاری انجام بدهند.

** نباید فراموش نمود که وقتی ما از زندگی رقتبار کودکان در افغانستان، صحبت می‌داریم، به مثابه آغاز سخن می‌باید به بار طبقاتی آن اشاره نمائیم. نمی‌خواهیم بگوئیم که در افغانستان گویا کودکان طبقات بالائی جامعه چه از لحاظ اقتصادی در حاکمیت قرار داشته باشند و چه هم از لحاظ سیاسی، هیچ مشکلی ندارند و نباید از حقوق آنها یادآوری نمود، بلکه هدف ما آن است تا به صراحت ابراز بداریم که زندگانی کودکان افغانستان و آنچه در بالا به آن اشاراتی صورت گرفت، در خطوط کلی آن، زندگانی کودکانی را بازتاب می‌دهد که به طبقات و اقشار پائینی جامعه تعلق دارند؛ به عبارت دیگر در افغانستان، مبارزه به خاطر حقوق کودک، بخشی از مبارزه طبقاتی و جزء لاینفک آن بوده و این مبارزه زمانی می‌تواند پیروزمندانه نقش خود را در تاریخ ایفاء نماید، که پرولتاریای در بند و دهقانان در زنجیر

افغانستان، در اتحاد و هماهنگی با سایر اقشار و طبقاتی که ظرفیت اطاعت از مشی پرولتاریا را داشته باشند، زنجیر های اسارت و بردگی استعماری و ارتجاع هار مذهبی را پاره نموده، دکتاتوری دموکراتیک خلق را به جای اداره مستعمراتی کنونی که فساد جزء ذاتی آن می باشد، مستقر بسازند.

*** ما را عقیده بر آن است که انجونیزم و هیومنیزم بورژوائی در هیچ کجای جهان نتوانسته و در افغانستان هم نمی تواند و نخواهد توانست، حیات کودکان ستمکش و فاقد حقوق انسانی را بهبود بخشد؛ عکس آن چنین تلاشهایی بیشتر از آن که به حال کودکان مفید باشند، سرخابی است جهت آرایش و بزک کردن سیمای کثیف مناسبات غارتگرانه سرمایه دارانه و ارتجاع هار مذهبی.

بر همین مبنا هم است که پورتال انجونیزم را فعالیت استخباراتی امپریالیزم دانسته، اکثریت دارندگان و گردانندگان آن را جواسیس امپریالیزم می داند.

اداره پورتال AA-AA